

صحن و سراسر معرفت



گفتارهایی در باب معرفت امام علیه السلام

جلد اول

دکتر سید محمد بنی هاشمی

به اهتمام: دکتر سعید مقدس

سرشناسه: بنی هاشمی، سید محمد، ۱۳۳۹
عنوان و نام پدیدآور: سخن و سرای معرفت (۱): گفتارهایی در باب
معرفه الامام علیه السلام / سید محمد بنی هاشمی؛ به اهتمام سعید مقدّس.
مشخصات نشر: تهران: نشر خسرو خوبان، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۲۶۴ ص.
شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۵۸۴۵-۱۷-۶
شابک جلد اول: ۹۷۸-۶۲۲-۵۸۴۵-۱۹-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیپا.
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. رؤیت، احادیث،
مهدویت، انتظار، عصر ظهور.
شناسه افزوده: مقدّس، سعید، ۱۳۵۸، گردآورنده.
رده بندی کنگره: BP ۵۱
رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۹۵۹
شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۵۵۳۰۴



سخن و سرای معرفت (۱)

دکتر سید محمد بنی هاشمی

(استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی)

به اهتمام: دکتر سعید مقدّس

ناشر: خسرو خوبان

نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۴۰۱

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: تقویم

تلفن و فاکس: ۷۷۶۲۱۹۵۴-۰۲۱

همراه: ۹۳۵۶۷۹۳۹۷۹-۰

t.me/khosrokhuban_publisher

khosrokhuban@gmail.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقديم به:

صاحبان سخن و سرادگانی شیشه

و ساکنان شبستان جان های شیدا:

امیرمؤمنان سالار شهیدان علیه السلام

به نیابت از:

جناب حبیب بن مطاهر و جناب مفضل بن عمر رضی الله عنهما

و همگی مردان مردی که جوانمردانه

پای عهد و میثاق خود با موالی شان ایستادند

فهرست مطالب

۲۱	پیش‌گفتار
۲۳	شبستان نخست: دینکم! دینکم!
۲۳	مقدمه و مدخل بحث
۲۵	سخنی در باب زیارت سامرا
۲۶	اهمیت حفظ ارتباط مداوم یک طلبه با امام زمان علیه السلام
۲۷	ضرورت پرهیز از گناه قلبی
۲۸	روزی خوردن ما از سر سفره‌ی امام زمان علیه السلام
۲۹	ضرورت اهتمام به خدمتگزاری به امام زمان علیه السلام
۳۰	ضرورت مراقبت از قلب و محاسبه‌ی نفس
۳۱	مراقبت از دین با تمسک به امام زمان علیه السلام
۳۲	دین‌داری یعنی اقرار به ولایت امام علیه السلام
۳۳	معرفت: روح عبادت
۳۵	شبستان دوم: معرفت امام علیه السلام : نور و هبّی الهی
۳۵	مقدمه
۳۶	معنای علم و معرفت
۳۶	تفاوت علم با تصوّر و فکر

- ۳۹ غیر اختیاری بودن علم و معرفت
- ۴۱ فکر: نه شرط لازم فهم و نه شرط کافی آن
- ۴۲ تفاوت «معلومات» و قلمروهای آن‌ها در عین وحدت حقیقت «علم»
- ۴۴ معرفت و عقل = علم و آگاهی
- ۴۶ تفاوت عقل با حیل و نیرنگ
- ۴۷ تفاوت عقل با شیطننت
- ۴۹ محرومیت از فهم عقلانی: نتیجه‌ی مخالفت با روشنگری عقل

شبستان سوم: معرفت امام علیه السلام به اسم و صفت

- ۵۱ فریضه بودن «معرفت»: ناظر به رتبه‌ی باور و اقرار
- ۵۲ معرفت امام علیه السلام به نعت و صفت و اسم
- ۵۴ تفاوت بین معرفت به اسم و معرفت به صفت
- ۵۵ نمونه‌ای از معرفت به صفت امام علیه السلام
- ۵۶ عمیق‌تر بودن معرفت به صفت نسبت به معرفت به اسم
- ۵۷ درجه‌بردار بودن معرفت به صفت
- ۵۹ اهمیت و ضرورت جود و سخاوت
- ۶۱ نمونه‌ای از سفارش امام رضا علیه السلام به سخاوت
- ۶۲ جود و سخاوت: معیار ایمان
- ۶۴ نمونه‌ای از کرم امام مجتبی علیه السلام
- ۶۵ اهمیت شناخت نسبت به دشمنان اهل بیت علیهم السلام
- ۶۶ محبت: یکی از آثار و برکات معرفت

شبستان چهارم: جلوه‌های پایان‌ناپذیر «معرفت به صفت»

- ۶۹ مقدمه
- ۷۱ درجات مختلف معرفت به امام علیه السلام
- ۷۳ تفضل و لطف نبی و امام علیهم السلام در شأن هدایت و طبابت
- ۷۴ معرفت امام علیه السلام به صفت «دوآر بطبه»
- ۷۹ ادای وظیفه‌ی اتمام حجت توسط ائمه علیهم السلام

۸۱	مراتب معرفت به صفت «غوث»
۸۵	مقایسه‌ی سطح دوم و سوم معرفت با سطح نخست
۸۶	صفت «علم مصبوب»
۸۷	صفت «کَهِف حصین» و «ملجأ هاربین»
۸۸	درخواست معرفت امام علیه السلام
۸۹	معرفت جناب سلمان
۹۰	غلو نبودن معرفت صحیح
۹۲	توسل به آقا قمر بنی‌هاشم علیه السلام برای دستیابی به معرفت امام علیه السلام
۹۵	حداقل معرفت: افتراض طاعت
۹۶	منوط نبودن معرفت به اکتساب
۹۹	شبستان پنجم: حُسن خُلق: برجسته‌ترین خصلت اهل بیت علیهم السلام
۹۹	مروری بر بحث‌های پیشین
۱۰۱	معرفت به صفت حُسن خلق ائمه علیهم السلام
۱۰۱	افتادگی مثال زدنی امیرمؤمنان علیه السلام
۱۰۴	حُسن خلق در تعامل با مخالفان!
۱۰۵	نرم‌خویی امام زین العابدین علیه السلام
۱۰۷	تناقض نداشتن هیبت داشتن با حُسن خلق
۱۰۸	هشدار ائمه علیهم السلام نسبت به بداخلاقی پیروانشان
۱۱۰	نمونه‌ای از چشم‌پوشی امام موسی بن جعفر علیه السلام
۱۱۲	نقش اصلی عنایت الهی در دستیابی به معرفت
۱۱۴	تأثیر فوق‌العاده‌ی اخلاق ائمه علیهم السلام در جذب افراد به اسلام
۱۱۵	شبستان ششم: وظایف ما در قبال معرفت وهبی الهی
۱۱۵	فضیلت زیارت سیدالشهدا علیه السلام در شب اول، وسط و آخر ماه مبارک رمضان
۱۱۸	جلوه‌ای از تفضّل الهی در پیامدهای حقّ الناس
۱۱۹	خطر حقوق «ناخواسته ضایع شده»
۱۲۰	گرفتاری عُجب پس از زیارت



- ۱۲۱ موظف شدن بعد از فهم
- ۱۲۲ دو استعمال «معرفت»
- ۱۲۳ معرفت به معنای پذیرش
- ۱۲۴ مراحل پذیرش و اقرار به معرفت
- ۱۲۶ اقرار و اظهار زبانی
- ۱۲۸ عمل با جوارح در مورد صفات مختلف امام علیه السلام
- ۱۲۹ ادای «حق نمک» در تعامل با خدا و امام علیه السلام
- ۱۳۱ ادای حق ذکر مصیبت اهل بیت علیهم السلام
- ۱۳۲ عذر تقصیر در ادای حق معرفت امام علیه السلام
- ۱۳۳ امام‌شناسی دشمنان اهل بیت علیهم السلام
- ۱۳۵ لزوم گدایی معرفت از در خانه‌ی ائمه علیهم السلام

شبستان هفتم: محرومیت ما در غیبت امام عصر علیه السلام

- ۱۳۷ مقدمه
- ۱۳۸ غیبت: عدم حضور یا عدم ظهور؟
- ۱۳۹ محرومیت‌های عصر غیبت در مقایسه با زمان حیات ائمه‌ی پیشین
- ۱۴۰ محروم نبودن از برخی نعمت‌ها با وجود غیبت امام عصر علیه السلام
- ۱۴۰ مقایسه‌ی محرومیت‌های زمان غیبت با بهره‌های زمان ظهور
- ۱۴۱ محرومیت بزرگ از زیارت امام حیات زمان علیه السلام
- ۱۴۴ حیرت طلاب در عرصه‌های حساس اعتقادی
- ۱۴۵ خطر ارتداد در عصر غیبت
- ۱۴۶ اهمیت معرفت امام علیه السلام
- ۱۴۷ اهمیت مراجعه به علم مصوب

شبستان هشتم: ضرورت «استقامت» بر طریقه‌ی حق

- ۱۴۹ محرومیت از امام ظاهر علیه السلام در زمان غیبت
- ۱۵۶ ماء معین: فقط امام علیه السلام
- ۱۵۶ لزوم تضرع و توسل به محضر امام زمان علیه السلام

۱۵۸	لزوم رعایت ورع
۱۵۸	لزوم اهتمام به کسب علوم «الهی»
۱۶۰	دعا بر فرج امام عصر علیه السلام : مایه‌ی جلب عنایت ایشان
۱۶۱	نمونه‌ای از مهمان‌نوازی امام علیه السلام
۱۶۳	در محضر سفره‌دار دانش
۱۶۷	شبستان نهم: «استقامت» علمی و عملی
۱۶۷	مقدمه
۱۶۷	علم الهی و انحصاری امام علیه السلام
۱۶۹	ضرورت استقامت طالب علم
۱۶۹	استقامت در «عمل»
۱۷۰	اطلاعات لغو، مایه‌ی غفلت
۱۷۲	مغتنم شمردن جوانی برای ارتباط با امام عصر علیه السلام
۱۷۳	مراقبه و محاسبه‌ی نفس
۱۷۴	نکته‌ای در باب استقامت در «طلب علم»
۱۷۷	شبستان دهم: دشواری آزمون الهی در عصر غیبت
۱۷۷	مقدمه
۱۷۸	سلب نعمت آشکاری امام علیه السلام ، نتیجه‌ی کفران نعمت
۱۷۸	نعمت حضور امام علیه السلام بنا بر تفضل الهی: نه لیاقت بندگان
۱۸۰	مشروط نبودن ظهور به آمادگی و اصلاح مردم
۱۸۲	امتحان سخت زمان غیبت
۱۸۴	فراموشی یاد امام زمان علیه السلام در زمان غیبت
۱۸۹	شبستان یازدهم: گرداب آخرالزمان و سفینه‌ی «صحت معرفت»
۱۸۹	مرور مباحث پیشین و مقدمه
۱۹۰	خطر انتشار سریع مطالب باطل
۱۹۲	خطر بی‌دینی در آخرالزمان



- ۱۹۳ ابتلائات دوران غیبت از منظر امام صادق علیه السلام
- ۱۹۶ نجات غریق: وظیفه‌ی خطیر طالب
- ۱۹۷ ضرورت آمادگی برای پاسخ‌گویی به شبهات
- ۱۹۸ خطر گم کردن امام علیه السلام و زائل شدن دین
- ۱۹۹ اهمّیت تصحیح معرفت به امام علیه السلام
- ۲۰۱ وابستگی ارزش انسان به میزان معرفت امام علیه السلام

- ۲۰۵ شبستان دوازدهم: شوق خدمت و نصرت: لازمه‌ی معرفت
- ۲۰۵ اهمّیت دعا برای امام زمان علیه السلام و ویژگی روز جمعه
- ۲۰۷ نور و صنع الله بودن معرفت امام علیه السلام
- ۲۰۸ معرفّی دعای عصر جمعه در ایّام غیبت
- ۲۱۰ دغدغه‌ی سالم ماندن دین
- ۲۱۲ شرح برخی فرازهای دعای زمان غیبت
- ۲۱۳ ارزش خدمت به امام عصر علیه السلام
- ۲۱۶ تفاوت «خدمت» و «نصرت»
- ۲۱۷ درخواست توفیق خدمتگزاری

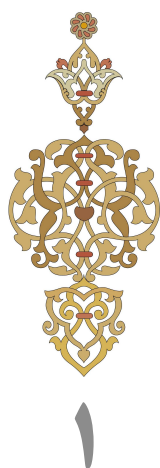
- ۲۲۱ شبستان سیزدهم: درایت نسبت به روایت؛ شرط لازم «صحت معرفت»
- ۲۲۱ مقدّمه و مروری بر بحث‌های پیشین
- ۲۲۲ اهمّیت «قوّت» یقین و «صحت» معرفت
- ۲۲۵ متابعت بی‌چون و چرا از امام علیه السلام
- ۲۲۷ اهمّیت «درایت نسبت به روایت»
- ۲۲۸ نمونه‌ای از بزنگاه‌های نیازمند «درایت»
- ۲۳۰ عرضه‌ی قرآن به رأی یا بر عکس؟
- ۲۳۲ اول مظلوم را دریابیم!

- ۲۳۵ شبستان چهاردهم: «درایت نسبت به روایت»: اسیر اصطلاحات و مبانی بشری
- ۲۳۵ مروری بر مباحث پیشین

۲۳۷	ارزش و اهمّیت معرفت
۲۳۸	راه انحصاری دستیابی به علم صحیح
۲۳۹	اهمّیت تفکیک علوم بشری از علوم الهی
۲۴۰	مثال‌هایی در باب اهمّیت توجّه به معانی لغوی اصیل
۲۴۱	نمونه‌ی اول و دوم: «قضا و قدر» و «بداء»
۲۴۴	نمونه‌ی سوم: «تردّد»
۲۴۸	نمونه‌ی چهارم: ملکوت
۲۵۱	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۲۵۳	شبستان پانزدهم: شوق دیدار، دعا و تسلیم علمی
۲۵۳	از نشانه‌های معرفت: محبّت و شوق دیدار
۲۵۴	مداومت صاحب مکیال بر دعای تردّد و تشرف ایشان
۲۵۶	اصل اولی: ادای وظایف در عین روشن نگه داشتن چراغ اشتیاق
۲۵۸	دعا بر حضرت صاحب الامر علیه السلام : زمینه‌ی ازدیاد محبّت
۲۵۹	اهمّیت تبلیغ یاد و نام امام عصر علیه السلام
۲۶۰	تنها سرچشمه‌ی علم، اهل بیت علیهم السلام
۲۶۱	اخذ علم: فقط از اهل بیت علیهم السلام
۲۶۲	لزوم پذیرش محتوای حدیث، بدون تأویل تراشی

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا مُحَمَّدٍ
و آله الطَّيِّبين الطَّاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين
اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحَجَّةُ بن الحسن صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ و على آبائه
فِي هَذِهِ السَّاعَةِ و فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا و حَافِظًا و قَائِدًا و نَاصِرًا و دَلِيلًا
و عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا و تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا
اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ و أَغْوَانِهِ و الذَّائِبِينَ عَنْهُ و الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي
قَضَاءِ حَوَائِجِهِ و الْمُتَمَتِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ و الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ و السَّابِقِينَ إِلَى
إِرَادَتِهِ و الْمُتَشَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ و عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ
عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ و بَقِيَ اللَّيْلُ و النَّهَارُ و لَا جَعَلَهُ اللَّهُ
آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ و عَلَى
عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ و عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ و عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ.



شبتان نخت: دینم! دینم!

مقدمه و مدخل بحث

خداوند را شا کرم که هفته‌ی آخر ماه مبارک رمضان، توفیق شامل حالمان شد که در کربلای معلی شما را زیارت کنیم. به نظرم رسید به توفیق الهی بحث معرفت امام علیه السلام را آغاز کنیم. امامت، اصل اصول دین است و لبّ آن معرفتی است که به فرموده‌ی امام باقر علیه السلام:

لَا يُقْبَلُ عَمَلٌ إِلَّا بِهِ.^۱

هیچ عملی جز به واسطه‌ی آن، پذیرفته نمی‌گردد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ دِينَكُمْ دِينَكُمْ فَإِنَّ السَّيِّئَةَ فِيهِ خَيْرٌ مِنَ الْحَسَنَةِ فِي غَيْرِهِ، وَ
إِنَّ السَّيِّئَةَ فِيهِ تُغْفَرُ، وَإِنَّ الْحَسَنَةَ فِي غَيْرِهِ لَا تُقْبَلُ.^۲

۱. تحف العقول / ۲۹۴.

۲. الکافی / ۲ / ۴۶۴.

ای مردم! مراقب دینتان باشید! مراقب دینتان باشید! زیرا گناه در آن، بهتر از حسنه در غیر آن است. و همانا گناه در آن، آمرزیده شود و حسنه در غیر آن پذیرفته نمی‌شود.

درک این فرمایش، ساده نیست و درایت می‌خواهد. خیلی مهم است که دین را حقیقتی ببینیم که بدون آن، حسنات پذیرفته نمی‌شود و با آن، سیئات مورد مغفرت قرار می‌گیرد. ان شاء الله قصد داریم که در این باره به تفصیل بحث کنیم. این جا اجمالاً تذکر می‌دهیم که مقصود از «بهتر بودن گناه فرد دین دار از حسنه‌ی فرد بی دین» این نیست که مثلاً «شراب خواری و زنا و غیبت کردن» یک شیعه از «نماز خواندن و عفت و خیرخواهی کردن» غیر شیعه بهتر است. این برداشت با هیچ منطقی جور در نمی‌آید! هیچ معصیتی را نمی‌توانیم بگوییم که از طاعت بهتر است. شراب خوری و پایمال کردن حق دیگران هرگز بهتر از نماز و احقاق حقوق دیگران نیست. نماز خواندن فرد منکر ائمه علیهم السلام هم با معصیتش فرق دارد. کسی که منکر امام است و ظلم می‌کند و شراب می‌خورد با منکر امامی که این کارها را نمی‌کند و کار خیر می‌کند، زمین تا آسمان فرق دارد.

پس سیئه از آن جهت که سیئه است، از طاعت نمی‌تواند بهتر باشد. چنان که از روایت شریف نیز بر می‌آید، «بهتر بودن سیئه از حسنه» از این جهت است که آن (گناه مؤمن) قابلیت مغفرت و آمرزش دارد، ولی این (حسنة‌ی غیر مؤمن) استحقاق گرفتن نمره‌ی قبولی ندارد. چون خدا به مؤمن وعده داده که توبه‌اش را می‌پذیرد. اما وعده‌ی قبولی طاعات را به غیر مؤمن نداده است. گناه مؤمن، مشمول وعده‌ی مغفرت الهی است. چون دستش در دست امیر المؤمنین علیه السلام است، ان شاء الله مولا علیه السلام دستش را می‌گیرد و توبه می‌کند و اگر مانعی برای پذیرش توبه‌اش ایجاد نکند، خدا قبولش می‌نماید. اما آن طاعتی که منکر امام علیه السلام می‌کند به خاطر همین بی معرفتی‌اش مشمول وعده‌ی قبول و ثواب الهی نمی‌شود. حسنه‌ای که فرد بی دین انجام می‌دهد، شرط اصلی پذیرفته شدن را ندارد. یعنی مشمول پاداش وعده داده شده نیست. به بیان دیگر آن «ثواب موعود» بر عملش مترتب نمی‌شود. ثواب موعود فقط برای اهل دین است.

تازه این جا بین تعبّدیات و توصلّیات هم فرق هست. یک دسته تعبّدیات داریم که قصد قربت می‌خواهد و توصلّیاتی داریم که قصد قربت نمی‌خواهد؛ مثل احسان به دیگران، مانند این که فرد مشکل کسی را حل کند. علمای ما فرموده‌اند که بر آن هم ثواب مترتّب می‌شود حتّی اگر فرد، مؤمن نباشد.^۱ ثواب وعده داده شده فقط برای اهل ایمان است ولی آن کسی که مؤمن نباشد و کار خیر بکند و دلی را شاد نماید، هرچند ثواب اهل ایمان، برایش نیست ولی کارش بی‌اجر نمی‌ماند و در دستگاه عنایت الهی گم نمی‌شود.

سخنی در باب زیارت سامرا

امشب به عنوان مقدمه می‌خواهم قدری حال روحی خود را به شما منتقل بکنم. یک هفته هست که شما از زیارت سامرا به کربلای معلّی آمده‌اید. بدانید که در این ماه مبارک رمضان، خدا خیلی به شما لطف کرده است. آن زمانی که ما در سنّ شما بودیم اصلاً خواب این را هم نمی‌دیدیم که در ماه خدا، ماه مبارک رمضان، بتوانیم ده روز در خانه‌ی امام عصر (علیه السلام) اقامت کنیم؛ هم روزه‌دار باشیم، هم مباحث علمی و معرفتی اهل بیت (علیهم السلام) تدریس و مباحثه بشود و هم در حال و هوای آن جا، تنفّس و توّسل کنیم. امیدوارم که در این فرصت مغتنم، باریک عمر سعادت خود را بسته باشید. چون واقعاً در این خانه، طور دیگری می‌شود با امام عصر (علیه السلام) نجوا و از ایشان گدایی کرد.

نَزِيلُكَ حَيْثُ مَا اتَّجَهْتَ رِكَابِي وَ ضَيْفُكَ حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْبِلَادِ

هر جا که باشیم مهمان امام زمانیم. همه‌ی زمین، ملک امام عصر (علیه السلام) است. همه‌ی اهل زمین، مهمان ایشان هستند. ولی سامرا، منزل و قبر جدّ گرامی ایشان و به قول معروف، خانه‌ی پدری‌شان است، مزار مادر و عمّه‌ی والامقامشان در این جاست، در این فضا، مدّت‌ها سکونت و عبادت کرده‌اند و افراد مختلفی در سرداب مطهر به

۱. برای ملاحظه‌ی بحث مبسوط و مستندات، در این باره بنگرید به: عدل در عالم تشریع (حلقه‌ی هفتم از سلسله مباحث اعتقادی) / ۲۰۷ - ۲۰۳.

محضرشان مشرف شده‌اند. لذا حتماً به این مکان مقدس، توجّه ویژه دارند.

رواق منظر چشم من، آشیانه‌ی توسست کرم نما و فرود آ! که خانه، خانه‌ی توسست

من آن نیم که دهم نقد دل به هر شوخی در خزانه به مهر تو و نشانه‌ی توسست

مرحوم میرزای مجدد - اعلی الله مقامه الشریف - که واقعاً عنایت خاصّ امام علیه السلام شامل حالشان بود، در همین کربلا عهده‌دار امور حوزه‌ی علمیّه شدند و مرجع اعلای شیعه در کربلا بودند. اما بیست سال تا پایان عمر مبارکشان در سامرا اقامت کردند. لذا آن‌جا مرکز شیعه شد و در پی این تمرکز، بزرگانی ساخته شدند که هر کدام عالمی مثال زدنی و به برکت نفس میرزا، امام زمانی علیه السلام به معنای ویژه‌ی کلمه هستند.

مراجع بصیر، اهتمام ویژه‌ای داشتند که زُلف طلاب و فضلا با صاحب و مولایشان گره بخورد. مثلاً کتاب نجم‌الثاقب مرحوم میرزای نوری رحمته الله به امر میرزای شیرازی رحمته الله نوشته شد. نیز از آقا سید جواد علوی طباطبایی بروجرودی، نوه‌ی مرحوم آیه الله العظمی سید محمد حسین طباطبایی بروجرودی رحمته الله شنیدم که ایشان، نماینده‌شان در نجف را مأمور کرده بودند برای طلبه‌هایی که آن زمان در نجف درس می‌خواندند، هر شب جمعه اتوبوس بگیرد و آن‌ها را مجانی و در واقع با سهم مبارک خود امام علیه السلام به زیارت سامرا ببرد. این‌ها شب یا غروب، به سامرا می‌رسیدند و مشغول عبادت و توسّل بودند و جمعه عصر بر می‌گشتند. ایشان نیز اهتمام داشتند که سامرا متروکه نشود. لعنت خدا بر دشمنان ائمه علیهم السلام که آن‌جا را تخریب کردند تا دیگر نه حرمی باشد و نه زائری بتواند به آن‌جا برود. ولی خدا رحمت کند مرحوم دکتر شهرستانی را که کمک کرد و الحمدلله آن‌جا از جهاتی بهتر از قبل ساخته شد. به هر طریق، همه از همه جای عالم باید به این زیارت‌گاه مقدس بروند، منتها طلبه‌ها باید بیشتر، شوق و همّت داشته باشند.

اهمّیّت حفظ ارتباط مداوم یک طلبه با امام زمان علیه السلام

همه‌ی سروکار یک طلبه با امام زمان علیه السلام است. شما همه چیزتان، خون و گوشت و استخوانتان مال امام زمان علیه السلام است. همه‌ی مردم همین‌طورند ولی شما بیشتر

این طور هستید. بنابراین سر تا پای وجودتان باید رنگ امام زمان علیه السلام داشته باشد. وقتی مردم با شما ارتباط می گیرند، باید از شما بوی امام زمان علیه السلام را استشمام کنند و سیره ی مهدوی علیه السلام را ببینند. مردم این را می فهمند، لازم نیست حتی حرف بزنید. عمل شما، ذکر شما، نشست و برخاست شما، می تواند محیط اطرافتان را معطر کند. این توجّه برای هر کدامتان که کم سن تر هستید واجب تر است. در سن های پایین تر باید این ارتباط برقرار شود و شما لذّت این ارتباط معنوی و علمی با امام عصر علیه السلام را بچشید. آن هایی که می چشند گوارای وجودشان باشد ان شاء الله. رهان کنید. ان شاء الله همین الان از همین جا برای تحقّق این هدف حرکت کنیم.

ضرورت پرهیز از گناه قلبی

این سرمایه ای که در سامرا و کربلا و با زیارت سیدالشهدا علیه السلام در این ایام و لیالی مبارک قدر به شما داده اند را از دست ندهید، حیف است. باید قدر بدانید. نکند که خدای ناکرده، فعل حرامی مرتکب شوید که ناشکری این نعمت عظمی باشد. قرآن می فرماید:

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا^۱

چیزی را که درباره آن آگاهی نداری دنبال مکن؛ زیرا که همانا گوش و چشم و دل، همگی مورد سؤال قرار خواهند گرفت.

چشم و گوش در برابر خداوند مسؤولیت دارند. اما مهم تر این است که «فؤاد» (قلب و روح ما) نیز مورد سؤال قرار می گیرد. امام علیه السلام ذیل آیه فرمودند:

يُسْأَلُ السَّمْعُ عَمَّا يَسْمَعُ وَالْبَصَرُ عَمَّا يَطْرِفُ وَالْفُؤَادُ عَمَّا يَقَعْدُ عَلَيْهِ^۲

۱. الإسراء / ۳۶.

۲. تفسیر العیاشی / ۲ / ۲۹۲. نیز بنگرید به روایت مشابه در: الکافی / ۲ / ۳۷.

گوش از آن چه می شنود و دیده از آن چه می نگرد و قلب از آن چه بدان معتقد می شود، مورد سؤال قرار می گیرد.

هیچ کس حق ندارد هر چیزی را که هوس کرد ببیند یا بشنود تا چه برسد به من و شمای طلبه. آن لطفی که امام زمان علیه السلام در سامرّابه شما کرده را از دست ندهید. چشم و گوش ما طلبه ها نباید از معرض عنایت مهدوی علیه السلام دور بماند. دیدن و شنیدن، یک عمل جوارحی است، ولی حسّاسیت و ظرافت عمل قلب، خیلی بیشتر است. یعنی من مجاز نیستم که به هر چیزی باور داشته باشم و به قول معروف به آن دل ببندم. ضمن آن که چیزی که قلب ما با آن گره می خورد، فقط عقاید نیست. حتی گاهی قضاوت هایی که ما راجع به دیگران می کنیم هم جزئش هست. یکی از گناهانی که خیلی شایع است، حقّ الناس قلبی است. ما خیلی راجع به افراد قضاوت می کنیم و زیاد به خودمان اجازه می دهیم که به افراد نمره بدهیم؛ در حالی که چنین حقّی نداریم.

روزی خوردن ما از سر سفره‌ی امام زمان علیه السلام

رنگ و بوی امام زمانی را در همه‌ی شوّون ظاهری و باطنی مان نگه داریم ان شاء الله. ارتباط روزانه و شبانه و ساعتی با امام زمان علیه السلام را از دست ندهیم که حیف است. سعی کنیم هر زیارتی که زیر قبه‌ی شریف می رویم و در حرم مطهر عموی امام زمان، آقا قمر بنی هاشم علیه السلام، حتماً یادی از آن حضرت بکنیم. فکر نکنیم کاری اضافه تر از وظیفه مان انجام می دهیم که بقیّه نمی کنند؛ نه، بر ما واجب است. الحمد لله خدا این شعور و معرفت را به ما داده است. تک تک این نفس هایی که می کشیم مدیون آن حضرت هستیم. به قول با معرفت ها باید لوطی منش باشیم و بدانیم مدیون چه کسی هستیم.

ما همه سر سفره‌ی وجود مقدّس امام زمانیم. اکثریت کسانی که سر این سفره نشسته اند، صاحب سفره را نمی شناسند. همه‌ی عالم سر سفره‌ی امام زمان علیه السلام روزی می خورند اما اکثر مردم عالم نمی شناسند که مهمان چه کسی هستند. ببینید خدا چه قدر به ما لطف کرده که ولّی نعمتمان را می شناسیم. مصرّانه بهترین حالات روحیمان

را خرج امام زمان علیه السلام بکنیم و خدای ناکرده فکر نکنیم مَتّی بر آن بزرگوار داریم. اگر یک روز حرم مشرّف شدیم و برای امام عصر علیه السلام با سوز و عمق بیشتر با همه وجودمان دعا کردیم، بدانیم به قدر خردلی از حقّ آن حضرت را هم ادا کرده ایم. من اعتقاد قلبی ام را می گویم. همین که به ما اجازه می دهند با آن حضرت سخن بگوییم و برای آن حضرت دعا بکنیم، نعمت بسیار بزرگی است. خیلی ها این نعمت را ندارند. باور بفرمایید هرچه هست همین است. یعنی روزی مادی و معنوی من و شما طلبه از همین جا در می آید.

ضرورت اهتمام به خدمتگزاری به امام زمان علیه السلام

ان شاء الله همه ی ما پا به رکاب باشیم. یعنی اگر امشب ندای «انا بقیّة الله» بلند شد آماده باشیم، هیچ تعلّق خاطری به هیچ جا نداشته باشیم؛ به هیچ کس و هیچ چیز وابستگی نداشته باشیم، آماده ی آماده! و بتوانیم عرض کنیم: «آقا! ما همه کارهایمان را کرده ایم، حساب هایمان را هم با دیگران صاف کرده ایم؛ نه بدهی و حق الثّاسی و نه نماز و روزه ی قضایی و.... به هیچ جایی هم دلبستگی نداریم، آزاد آزاد فقط منتظر هستیم که با سر بیاییم و دیده به پایتان بگذاریم».

حال یک طلبه باید این طور باشد و گرنه طلبه ی واقعی نیست، اگر یک طلبه شیفته ی مولایش نباشد، پس نان امام زمان علیه السلام را برای چه می خورد؟! رزقی که سر این سفره به ما می رسد، باید همه اش خرج امام زمان علیه السلام بشود. درس رسمی هم که خوانده می شود مقدّمه ای برای همین است. تعلّم فقه آل محمّد علیهم السلام مقدّمه ای برای همین است. احکام شرعی که ما یاد می گیریم، نیازی است که شیعیان و محبّان امام عصر علیه السلام دارند و مادر پی بر آوردن آنیم. باید تحقیق کنیم و تعلیم بدهیم، باید این درس ها را هم خوب بخوانیم ولی روح همه ی این ها توجّه، حضور قلب و معرفتی است که خدا نصیب ما کرده است و باید زنده اش بداریم.

هر بار که این جا مشرّف می شویم بخواهیم که این دیگر آخرین زیارتان در زمان غیبت باشد. هر نمازی که می خوانیم از خدا بخواهیم، آخرین نمازی باشد که در دوران



غیبت می خوانیم، جداً طلب کنیم که نماز بعدی مان به امامت صاحب الزمان علیه السلام باشد. من و شما در همین هفته ای که از ماه خدا مانده این کار را بکنیم، بینیم چه نوری در قلب مان تابیده می شود! حیف است، بعد از زیارت سامرا و کاظمین و... قلب، منور می شود و ان شاء الله این توجه به امام عصر علیه السلام «نور علی نور» است.

ضرورت مراقبت از قلب و محاسبه ی نفس

گوش را مراقب باشید، چشم را مراقب باشید. باید گوش و چشم شما بیمه شود. خدا می داند که:

إِنْ تُبْدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ.^۱

آن چه در دل دارید را چه آشکار کنید و چه پنهانش نمایید، خداوند نسبت به آن، از شما حساب می کشد.

این سنّ شما، سنّ شروع مراقبت از نفستان است. کتاب «محاسبة النفس» مرحوم سید بن طاووس رحمته الله را پیدا کنید و بخوانید. همه ی کتاب های ایشان واقعاً کم نظیر است. این رساله، کم حجم و البته پرمغز است. از مولا امیر مؤمنان علیه السلام نقل است که:

حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا وَ وَاذْنُوهَا قَبْلَ أَنْ تُؤَازَنُوا.^۲

از نفس خود حساب بکشید، پیش از آن که به حساب شما رسیدگی کنند و آن را بسنجید پیش از آن که مورد سنجش قرار گیرید.

روز قیامت «يوم الحساب» است. قبل از این که خدا حساب کند، خودمان حسابرسی کنیم. حسابرسی به این است که اگر چشم و گوش و قلب من، خدای نا کرده به آن چیزی گره خورد که نباید بخورد، حسابش را بکشم. در روایت است که به مؤمن هفت ساعت^۳ و یا نه ساعت^۴ مهلت داده می شود که استغفار کند تا سیئه اش نوشته

۱. البقرة / ۲۸۴.

۲. تصنیف غررالحکم / ح ۴۷۴۱.

۳. الکافی / ۲ / ۴۳۷.

۴. الخصال / ۲ / ۴۱۸.

نشود. تا آن ساعت هانگدشته، فرصت داریم توبه کنیم. این جا هم که توفیق زیارت داریم اگر خدای ناکرده لغزشی ایجاد شد، فوراً طلب مغفرت و توبه کنیم که این دل، آلوده و ناپاک نشود. این حال معنوی رانگه داریم. حیف است از دستش بدهیم. یکی از چیزهایی که آدم را از راه به در می کند این تلفن های همراه است. اصلاً به لحاظ تربیتی برای شما بزرگواران جایز نیست فکر و وقت و دلتان را با این سرگرمی ها و غفلت ها که در این گوشی هاست، صرف کنید و دل به آن بدهید. ساده می گویم مگر ما دلمان را از سر راه آورده ایم؟! مگر دل ما مزبله است که مجاز باشیم داخلش زباله بریزیم؟! خیلی وقت ها خبرهای راست و دروغ و تهمت و بهتان راجع به افراد را پخش می کنند و اسمش را «افشاگری» می گذارند، گاه مسائل محرمانه و زندگی خصوصی مردم را بیرون می ریزند و به عنوان «خبر تازه و جنجالی» مطرح می کنند. در این شبکه های اجتماعی از این انحرافات، پُر است. واقعاً حیف است که قلب ما ظرف این گونه آلودگی ها شود. فعلاً شما وظیفه ای نسبت به مسائل کلان سیاسی، اجتماعی و... ندارید. بله، بعدها اگر خواستید خدمت هایی ویژه بکنید، وضع فرق می کند. ولی الآن آدم باید در سش را بخواند و مقدّم بر آن، از نظر روحی و معنوی خودش را بسازد تا بتواند در آینده خدمتی شایسته بکند.

مراقبت از دین با تمسّک به امام زمان (عج)

برگردیم به همان حدیث ابتدای بحث؛ به ما هشدار می دهند که: «دینکم! دینکم!»، آن چه گفتیم در واقع جامه ی عمل پوشاندن به همین توصیه است. هشدار داده اند که مراقب دینتان باشید! وگرنه بابتی مبالغه ای، دین آسیب می بیند. در یکی از زیارت های امام عصر (عج) در سرداب مطهر که با «السَّلامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ» شروع می شود، آمده:

السَّلامُ عَلَى الدِّينِ الْمَأْثُورِ.^۱

دروود بر دین برجسته و ریشه دار!

در نقلی دیگر دارد:

السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الدِّينِ الْمَأْتُورِ.^۱

درود بر صاحب دین برجسته و ریشه‌دار!

مراد از آیین اصیل الهی و صاحب آن، بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه است. دین ما ایشان هستند. لذا اگر بخواهیم به هشدار یاد شده توجه کنیم باید مراقب مجموعه‌ی روابط معرفتی و عملی مان با امام عصر علیه السلام باشیم.

دین‌داری یعنی اقرار به ولایت امام علیه السلام

در واقع اگر بخواهیم مراقب دینمان باشیم، باید بیش از هر امری، به معرفت و اطاعت امام علیه السلام اهتمام داشته باشیم. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

إِنَّ أَفْضَلَ الْفَرَائِضِ وَأَوْجَبَهَا عَلَى الْإِنْسَانِ مَعْرِفَةُ الرَّبِّ وَالْإِقْرَارُ لَهُ بِالْعُبُودِيَّةِ وَحَدُّ الْمَعْرِفَةِ أَنْ يَعْرِفَ أَنَّهُ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا شَبِيهَ لَهُ وَلَا نَظِيرَ.^۲

همانا با فضیلت‌ترین و ضروری‌ترین واجبات بر انسان، اعتقاد به پروردگار و اقرار برای وی به بندگی اوست و حد معرفت این است که [انسان] معتقد باشد هیچ معبودی جز او نیست و شبیه و نظیری ندارد.

این شروع مطلب ماست و بعد حدیث شریف در باره‌ی فریضه‌ی «مَعْرِفَةُ الرَّسُولِ» و «مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ» بحث می‌کند.

معرفت امام علیه السلام، رکن سوم این معارف است ولی این رکن سوم، حافظ آن دو رکن دیگر هم هست و همان‌طور که گفتیم همه‌ی «دین» در آن خلاصه می‌شود. برای همین است که آن را «اصل اصول دین» می‌دانیم. به قول مرحوم حبیب چایچیان:

۱. المصباح (کفعمی) / ۴۹۸.

۲. بحار الانوار / ۳۶ / ۴۰۷ به نقل از کفایه الاثر.

توحید و نبوت و امامت هر سه در گفتن یک علی ولی الله است

یعنی شما وقتی اقرار به ولایت امیرالمؤمنین و ائمه‌ی پس از ایشان علیهم‌السلام کردید، در واقع آن دو رکن دیگر را هم دارید. برعکس، اگر این نباشد، معرفت دو رکن دیگر هم نیست.

اصول دین ما همین سه تاست. خدا، معرفت خود و اولیاء معصومش (رسول و امام علیهم‌السلام) را به ما عنایت کرده و وظیفه‌ی ما، اقرار و قبول این معرفت و هبّی الهی است. «دین دار» به چه کسی می‌گوییم؟ به کسی که اقرار به ربوبیت رب کرده، اقرار به رسالت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کرده و معرفت امام علیه‌السلام را هم که خدا به او داده، پذیرفته و به آن مقاماتی که خدا به ائمه علیهم‌السلام عنایت کرده، اعتقاد دارد. چنین شخصی، «دین دار» است.

معرفت: روح عبادت

ذیل آیه‌ی شریفه‌ی «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۱ حتماً این حدیث شریف وجود مقدس صاحب همین حرم شریف، اباعبدالله الحسین علیه‌السلام را شنیده‌اید که فرمودند:

ای مردم! همانا خداوند عزوجلّ بندگان را نیافرید، مگر برای این که معرفت به او پیدا کنند. پس وقتی معرفت او را یافتند، به بندگی او بپردازند.
پس کسی عرض کرد: «ای فرزند رسول خدا! پدر و مادرم به قربانت، معرفت خداوند چیست؟»
حضرت فرمودند:

مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ.^۲

معرفت اهل هر زمانی نسبت به امام خود که اطاعت او بر ایشان واجب است. این‌ها اساس دین ماست. احساساتی نشده‌ایم. محور دین داری یعنی «معرفت امام». اگر کسی این‌گونه بود، آن وقت دین دار می‌شود. یعنی در گروه دین داران قرار می‌گیرد.

۱. و من جئان و انسان‌ها را نیافریدم مگر برای آن که مرا بندگی کنند. (الذاریات / ۵۶).

۲. علل الشرایع / ۱ / ۹.

وقتی وارد گروه دین دارها شد، آن وقت اگر از سیئه‌ای که داشته توبه کند، پذیرفته می‌شود. ولی اگر در این گروه نباشد و نماز بخواند و روزه بگیرد چه اثری دارد؟ اشتها در عبادت پیدا کند چه اثری دارد؟ آن چه که روح عبادت است و عبادات را ترقی می‌دهد، معرفت امام علیه السلام است؛ چنان که در پیش‌گفتار، این حدیث شریف را ذکر کردیم که:

برخی از شما بیش از بعضی دیگر، اهل نماز هستید و بعضی نسبت به دیگران بیشتر اهل حجّید و بعضی بیشتر از بقیّه صدقه می‌دهید و برخی بیشتر از برخی دیگر، روزه می‌گیرید و [با وجود همه‌ی این‌ها] بهترین شما، آن‌هایی هستند که معرفت برتری دارند.^۱

یعنی ملاک برتری، «معرفت» می‌شود. معرفت که بیاید بقیّه فضیلت‌ها هم می‌آید. معرفت یک امر ذهنی نیست. اشتباهی که خیلی‌ها می‌کنند این است که فکر می‌کنند معرفت، ذهنی و فکری است. معرفت، شناخت قلبی است. معرفت نور است که خدا در قلب انسان می‌اندازد. اگر من در ذهنم چیزی را تصوّر کنم، معرفت به آن پیدا نکرده‌ام. این‌ها رسوبات مطالب فلسفی است که عقلاً قابل قبول نیستند. بر اساس علوم اهل بیت علیهم السلام معرفت، ذهنی و فکری نیست؛ تصوّرات نیست. وقتی که قلب آدمی به معرفت واقعی خدا (نه عرفان اصطلاحی بشری) متوّر شد، آن وقت رفتارش، خُلق و خویش و اعمالش، رنگ دیگری می‌گیرد و متحوّل می‌شود.

ما این را می‌خواهیم. دنبال این هستیم. معنی این حدیث و اجمالی از بحثی که می‌خواهیم خدمتتان داشته باشیم را مختصر و گذرا گفتیم تا ان شاء الله ادامه‌اش دهیم.